[133] كه قادر نيست كلام خود را بيان نمايد، اين سخن به گوش أمير المؤمنين عليه السلام رسيد، امام حسن عليه السلام را خواست وفرمود: أي پسر پيامبر مردم كوفه در مورد تو سخنى مى گويند كه آنرا زشت مى شمارم، خود را به مردم بنمايان، امام حسن عليه السلام گفت: من هنگامى كه چشمانم به شما مى افتد قادر به سخن گفتن نيستم، آن حضرت فرمود: من به كنارى مى روم، ندا داده شد ومردم جمع شدند، امام بالاى منبر رفت وخطبه أي بسيار كوتاه وبليغ خواند، كه مردم گريستند، آنگاه فرمود: أي مردم ! در سخن پروردگارتان بينديشيد كه فرموده: خداوند آدم ونوح وخاندان ابراهيم وخاندان عمران را بر جهانيان برگزيد، كه بعضى از آنها فرزندان يكديگرند، وخدا شنوا ودانا است. پس ما فرزندان آدم، واز تيره نوح، واز برگزيدگان ابراهيم، وسلاله اسماعيل، وخاندان محمديم صلى ا عليه واله. ما در ميان شما مانند آسمان برافراشته، وزمين گسترده، وخورشيد درخشان، وهمانند درخت زيتوني هستيم كه به شرق وغرب متمايل نبوده وزيتونش بركت داده شده است.

_____